



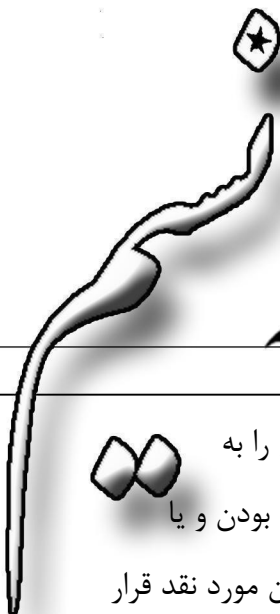
## کارگران جهان متحد شوید

♦ شماره ۶۸

۵ دسامبر ۲۰۰۶

۱۴ آذر ۱۳۸۵

# کاسنامه



انجمنهای اسلامی را به خاطر «اسلامی» بودن و یا «اساسنامه»ی آن مورد نقد قرار

می دهند. عده ای دیگر (در خارج از مجموعه انجمنها) معتقدند که این تشکلهای هنوز وابسته به حاکمیت اند. با استناد به واقعیات جاری پیداست که این نوع نقد انجمنها اشتباه است. نقدی که من بر انجمنهای اسلامی دارم ممکن است دامن بسیاری از تشکلهایی که منتقدین انجمنها مد نظر داشته باشند را نیز در بر گیرد.

### ایجاد شکاف میان پیشروها و توده ها

تمام شور مبارزاتی و تحول خواهی مردم در سال ۷۶ به تدریج با رهبری اصلاح طلبان رو به افول رفت (۲). عدم اعتقاد آنان به بسیج مردم، و مهمتر از همه پشت کردن به آنان، توده های مردم را به تدریج از مبارزه سیاسی دور کرد. این غیر سیاسی شدن در دانشگاه هم اتفاق افتاد و به تدریج موجب شد میان پیشروهای دانشجویی و توده های دانشجویی فاصله ایجاد شود. گرچه مسبب این فاصله ی ایجاد شده میان پیشروها و توده ها، اصلاح طلبان و به طور کلی فعالین لیبرال بودند، اما این امر دامن همه نیروها را گرفت. چنانچه میان پیشروهای دانشجویی (اعم از چپ یا لیبرال) با توده های دانشجویی نیز فاصله به وجود آمده و این امر از پنج سال پیش به تدریج تکوین یافت و امروز به اوج خود رسیده است. امروز فعالان دانشجویی خواه لیبرال باشند یا چپ، خواه در انجمنهای اسلامی

دانشجویان را با شدیدترین وجهی پاسخ می دهد. انجمن های اسلامی دانشجویان یکی پس از دیگری در دانشگاه های مختلف منحل شده و یا به شکل دیگری از فعالیتشان جلوگیری می شود. « ستاره دار» کردن دانشجویان سیاسی و ممانعت از ادامه تحصیل آنها، تصفیه اساتید و... دلایل محکم دیگری برای این ادعا است.

### انجمن های اسلامی دانشجویان

از دست رفتن انجمن های اسلامی در چند دانشگاه کشور، دانشجویان فعال سیاسی را به تفکر واداشته است. برخی معتقدند باید هر طور هست انجمنهای اسلامی را نگه داشت و حتی با وجود به رسمیت شناخته نشدن آن از سوی حکومت، در همان قالب به فعالیت ادامه داد. بعضی دیگر هم اعتقاد به ضرورت ایجاد جایگزین برای انجمنهای اسلامی دارند.

نیازی به ذکر این نکته نیست که همه دانشجویان فعال آرزو داشتند تشکلی جز انجمن اسلامی (بدون نام و اساسنامه و شکل تشکیلاتی آن) وجود می داشت تا می توانستند در آن قالب به فعالیت پردازند. دسته ای که فعالیت در قالب انجمنهای اسلامی را همچنان توصیه می کنند عمدتا به استفاده از ظرفیتهای قانونی این شکل و نیز سهولت ارتباط با توده های دانشجویی از طریق آن اشاره می کنند. در نگاه کلی این استدلال صحیح است. اما منتقدین فعالیت در انجمنهای اسلامی چه کسانی هستند؟ برخی افراد



ISNA PHOTO: MEHDI GHASEMI

### در آستانه ۱۶ آذر

### مشکل امروز دانشگاه در کجاست؟

### سخنی با فعالان جنبش دانشجویی

از دستاوردهای دولت آقای احمدی نژاد یا به عبارت دقیق تر، جمهوری اسلامی بدون ماسک اصلاح طلبی موانعی است که بر سر راه فعالیتهای دانشجویی به وجود آورده است. هر روز که می گذرد شاهد تشدید فعالیت کمیته های انضباطی و محروم کردن دانشجویان از تحصیل هستیم. دامنه فشار بر دانشجویان به قدری افزایش یافته که دیگر فقط دانشجویان سرشناس سیاسی نیستند که باید جور محرومیت از تحصیل را بکشند، بلکه دانشجویان فعال فرهنگی نیز با همین مشکل مواجهند (۱). علاوه بر کمیته های انضباطی، سیل احضاریه های دادگاه های «انقلاب» نیز که به دست دانشجویان داده می شود باور نکردنی است. دستگاه حکومتی حیا را کنار گذاشته و بدون هیچگونه تعارفی کوچکترین فعالیت فرهنگی-انتقادی

فعالیت کنند یا مستقل، این فاصله را با گوشت و پوست خود لمس می کنند. بنابراین مشکل امروز جنبش دانشجویی در اینجاست، نه اینکه انجمن اسلامی مترقی است یا مرتجع! دانشجویان دسته دسته از تحصیل محروم می شوند، انجمنهای اسلامی منحل می شوند اما واکنشی از سوی توده های دانشجویی مشاهده نمی شود و این رژیم را در تشدید اعمال فشار ترغیب می کند. بسیاری از تحصن ها و اعتراضات صنفی نیز که گاهی به وقوع می پیوندد نه تنها در دستیابی بخواسته های کوتاه مدت عاجز می ماند، بلکه از سیاسی کردن فضا نیز عاجز است. شگفت اینکه بسیاری از این تحصن ها نیز به نوبه خود در غیرسیاسی کردن فضا تاثیرگذارند! (۳)

بنابراین در پاسخ به طرفداران فعالیت در انجمنهای اسلامی باید این نکته را متذکر شد که این شکافی که به آن اشاره شد نه تنها با ادامه دادن به این شکل فعالیت از بین نخواهد رفت بلکه بیشتر هم خواهد شد. البته در شرایطی که شکاف پیشرو-توده وجود ندارد یا تخفیف پیدا می کند فعالیت و نفوذ در همه تشکلهای قانونی قابل قبول (مثل انجمن اسلامی، شورای صنفی و...) منطقی است. اما در شرایط مورد اشاره، رژیم با مشاهده روند رو به گسترش این شکاف، بر شدت سرکوب خواهد افزود، و این امری کاملاً بدیهی است. زمانی که پیشروی دانشجویی پایگاهی در میان دانشجویان نداشته

باشد، سرکوبش آسانتر است. از سوی دیگر بالا رفتن شدت سرکوب و احضار شدن دامنه وسیعتری از دانشجویان به کمیته انضباطی - آن هم در مورد دانشجویانی که نه سازماندهی شده اند و نه به لحاظ اخلاقی و ایدئولوژیک آمادگی تحمل فشار را دارند موجب ریزش نیرو در انجمنها (یا تشکلهای همشکل) شده و این خود بزرگتر شدن شکاف را موجب می شود. لذا ما با یک پدیده رزونانس (تشدید) مواجهیم. مشکل تنها این هم نیست. چنانکه گفتم دانشجویی که به لحاظ اخلاقی و ایدئولوژیک آمادگی تحمل فشار را ندارد به سرعت جا زده و حاضر به همکاری با رژیم می شود. نوشتن توبه نامه، اظهار ندامت، اعتراف علیه سایر فعالین و... را نباید در چنین شرایطی عجیب دانست. این هم به ریزش نیروی بیشتر و افزایش شکاف منتهی می شود. سوال ساده این است که چرا باید همین اندک نیروی دانشجویی را نیز (که غالباً نپخته هم هستند) در تیر رس قرار داد؟ آیا فعالیت قانونی و علنی در چنین شرایطی می تواند از میزان سرکوب بکاهد یا دستکم موجب افزایش آن نشود؟

### رد تئوری بقا - عنصر ذهنیت

بررسی شکاف میان پیشروها و توده ها ما را به این نتیجه رساند که تفکری که به خاطر «بقا» خود را در چارچوب «قانون» (منظور تشکل قانونی مثل انجمن اسلامی) محصور می کند، خودش بقای خود را به مخاطره می افکند. بحث «رد تئوری بقا» اخیراً

دوباره در محافل رادیکال دانشجویی مطرح شده است و این را باید به فال نیک گرفت. روزنامه شرق انتشار خود را با نقد «رد تئوری بقا» (تاکید بر تئوری بقا) آغاز کرد ولی طنز روزگار خیاط را هم در کوزه انداخت! در بهار ۱۳۴۹، زنده یاد امیر پرویز پویان، با تحلیلی از ارتباط توده و پیشاهنگ نوشت: «سلطه مطلق دشمن که بازتاب خود را در ذهن کارگران به صورت ناتوانی مطلق آنان برای تغییر نظم، مستقر می کند، تاثیر بی واسطه اش تسلیم کارگران به فرهنگ دشمن است. پس وحشت و خفقان که تجسم قدرت دشمن است در تمکین پرولتاریا به فرهنگ مسلط نقش علت را ایفای کند. هر چند آنچه در اینجا معلول است، بیدرنگ پس از پیدایش خود به علت نوینی برای احتراز پرولتاریا از مبارزه انقلابی تبدیل می شود.» (۴)

رفیق شهید علت عدم تمایل پرولتاریا به مبارزه را ذهنیتی در آنان می دانست که وظیفه پیشاهنگ بر هم زدن آن بود. از تاثیر وضعیت شرایط آن روزگار و نیز تاثیر اندیشه ترویج کننده مبارزه مسلحانه امریکای لاتین بر چریکهای ایرانی که بگذریم، آنچه می ماند عملی است که پیشاهنگ باید دست به آن بزند تا بازتاب آن در ذهن توده ها، ذهنیت تسلیم طلبی به فرهنگ مسلط را از بین ببرد. مبارزه مسلحانه امروز، نه تنها در ایران بلکه دستکم در بخش وسیعی از جهان، از سوی توده ها طرد می شود و راه مناسبی برای محو شکاف مورد اشاره نیست. امروز ذهن خلاق دانشجویان پیشروی ایرانی است که باید راه حلی برای شرایط جدید

بیابد. راه حلی که از بین بردن ذهنیت تسلیم طلبی و غیرسیاسی توده های دانشجوی هدف آن باشد.

\*\*\*

پی نوشت ها:

(۱) پیش از اینها کمتر دانشجویان به خاطر فعالیتهای فرهنگی از تحصیل محروم می شدند. اما با آماري که در دست است تعداد زیادی از دانشجویان بخاطر فعالیت در کانونهای فرهنگی- هنری، نشریات فرهنگی و... به کمیته های انضباطی احضار شده اند.

(۲) به عنوان نمونه در سال ۷۶ میتینگی در اهواز برگزار شد که مهندس عزت الله سبحانی در آن سخنرانی کرد. تعداد مردمی که در این میتینگ شرکت کرده بودند به ۱۰۰۰۰ نفر می رسید. جالب اینجاست که کلیه دوستان همین جناب مهندس سبحانی وقتی در اسفند ۸۱ صلاحیتشان برای شرکت در انتخابات شورای شهر تایید شد نتوانستند کوچکترین رأیی بیاورند، به طوری که هیچ کدام از نامزدهای ملی-مذهبی راهی شوراها نشدند!

(۳) رژیم از شکاف ایجاد شده میان پیشروها و توده های دانشجویی نهایت استفاده را می برد و در هنگام وقوع یک اعتراض صنفی، دانشجویان را از عواقب سیاسی شدن این اعتراضات می ترساند. در بسیاری از موارد ضعف پیشروهای دانشجویی در غلبه کردن بر شکاف مذکور موجب می شود تا راهبری اعتراضات صنفی به دست افراد غیرسیاسی (در بهترین حالت افراد نادان) بیفتد که خود در غیرسیاسی کردن دانشجویان - و درست به همین دلیل - خواسته یا ناخواسته در به شکست کشاندن این اعتراضات نقش چشمگیری دارند.

(۴) امیر پرویز پویان، « ضرورت مبارزه ی مسلحانه و رد تئوری بقاء»، چریکهای فدایی خلق.

نوشته شده توسط بهروز صفری در  
یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۸۵ ساعت ۶/۴۴

## مروری بر دستاوردهای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه

با همت، پشت کار و مبارزات طولانی سندیکای کارگران شرکت واحد و تلاش و پشتیبانی گسترده شما همکاران گرامی دستاوردهای زیادی حاصل گردیده که برای آشنایی بیشتر، این دستاوردها را به آگاهی شما می رسانیم:

1- تلاش و کوشش دائمی جهت افزایش آگاهی و همبستگی شما خدمتگزاران واقعی مردم و پی گیری مستمر حقوق عمومی همکاران گرامی در مراجع گوناگون همانند وزارت کار، شهرداری و غیره .

۲- به رسمیت شناختن سندیکای

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی از ( ILO ) طرف سازمان بین المللی کار و دعوت رسمی از سندیکای کارگران شرکت واحد جهت شرکت در همایش سازمان بین المللی کار در شهرهای تبریز و کرمان در آبان ماه ۱۳۸۵ و عضویت در فدراسیون جهانی کارگران و اتحادیه های ( ITF ) حمل و نقل و برقراری ( ITUC ) جهانی کارگران ارتباط با کنفدراسیون عالی کارگران اتحادیه های ، ( CGT ) فرانسه کارگری کانادا و بسیاری از اتحادیه های کارگری دیگر

3- پایان بخشیدن به مدیریت دوگانه شرکت واحد و انتقال مدیریت شرکت واحد زیر نظر مستقیم شهرداری تهران و برکناری بسیاری از مدیران ناکارآمد و مطرح شدن مسائل و مشکلات عمومی

شرکت واحد در بالاترین سطوح مقامات کشوری

4- شکایت از شورای اسلامی کار در مراجع وزارت کار بطوری که هم اکنون مدت شش ماه است، شوراها ی اسلامی کار شرکت واحد غیرقانونی و فاقد اعتبار گردیده اند .

5- جلوگیری از کسر نمودن مبلغ هزار تومان ماهیانه از حقوق کلیه همکاران در سال ۱۳۸۳ " از طریق شکایت به بازرسی کل کشور "

6- دریافت بن کمک هزینه در سالهای اخیر و در سال جاری به مبلغ چهارصد و پنجاه هزار تومان ( ۴۵۰۰۰۰ )

7- پی گیری طرح طبقه بندی مشاغل، اگر چه بصورت ناقص اجرا شده اما باعث افزایش حقوق همکاران تا ۳۰٪ در سال ۱۳۸۵ گردیده است

8- پی گیری اجرای مقاوله نامه های حقوق بنیادین کار سازمان بین المللی کار در ایران

9- دریافت ۶۲ روز دستمزد عیدی و پاداش و کت و شلوار در اسفند ماه و تأسیس تعاونی مسکن، مصرف، اعتبار و ایجاد مجتمع ورزشی و دریافت ۱۰۰٪ دستمزد بیمه حوادث ناشی از کار و دریافت لباس کار و صابون و شیر برای کارگران فنی و انعقاد پنج پیمان دسته جمعی از تلاشهای سندیکای کارگران شرکت واحد در سالهای قبل و بعد از انقلاب بوده است .

**همکاران گرامی:** تعداد ۵۰ نفر از همکاران

فعال سندیکایی شما معلق از کار بوده و از دریافت هرگونه دستمزد، حقوق و خدمات درمانی محروم هستند و کماکان پیگیر حقوق صنفی و سندیکایی هستند .

اتحاد، آگاهی و پشتیبانی شما همکاران گرامی از سندیکای کارگران شرکت واحد ضامن حفظ حقوق حقه و بهبود شرایط کار و زندگی خواهد بود .

**سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**

۱۳۸۵ / ۱۰ / ۱۹

# دانشگاه

## پادگان

### نیست!!

جنبشهای بزرگ جهان، پیروزمندی های خود را پیش از هر امر دیگر، از درک نقادانه ی تجربه ای کسب می کنند که در تاریخ زنده ی مبارزه اشان، هر لحظه آن را پشت سر می گذارند.

انتظار بازگشت جنبش دانشجویی ایران به مسیر پاکوفته «اصلاحات» و تکرار پروژه ی شکست خورده ی «دنباله روی از امیدواران به مراجع قدرت»، نفی مغرضانه و آگاهانه ی تک تک امکانات نویافته ی پیروزی این جنبش در حرکت به سوی خواسته های برحق آن است.

گسست جنبش دانشجویی از «فلسفه و جنبش سیاسی موسوم به اصلاح طلبی»، جز محصول درک نقادانه امروز جنبش از همان تجربه ی منتهی به شکست «اصلاحات» چیز دیگری نیست. این گسست، گشایش دریاچه ی امیدی ست

که استقلال جنبش دانشجویی از دستگاه قدرت و ایستادن آن بر پاهای آزموده ی خود را نوید می دهد.

آگاهی جنبش از این حقیقت که او عضو پوینده و متکاملی از اندامواره (ارگانسیم) روبه رشد جامعه ایران بوده و از این رو در ارتباط و هم سرنوشتی ارگانیک با دیگر جنبش های مترقی این جامعه است، هم اکنون دانشگاه و دانشجویان را از قالب تنگ یک صنف سیاسی معترض به در آورده و آنرا به جنبشی اجتماعی و همبسته ی ناگزیر مبارزات پیگیر مگرگران، زنان، جوانان و دیگر گروهها و اقشار تحت ستم جامعه تبدیل کرده است. سیاسی گری امروزی جنبش دانشجویی، به همین سبب می بایست از عضویت اکتیو اجتماعی و دخالتگری پیگیرانه او در هر امر کوچک و بزرگ جامعه ایران نشأت گیرد.

امسال ۱۶ آذر روزی ست که دانشگاه های سراسر کشور رو به جامعه ایستاده و تداوم مبارزه اشان برای دستیابی به جامعه ای آزاد و برابر برای همه گان را به یکایک مردم اعلام می کنند. تجربه ی کنونی جنبش دانشجویی، در کنار تجربه ی مبارزات سرسختانه ی طبقه ی کارگر و جنبش آزادی خواهانه ی زنان ایران، محصول آگاهی این جنبشها از این حقیقت است که «دست یابی به مطالبات برحق مردم تنها به نیروی اتحاد مردمی و بریدن قاطعانه از هرگونه دخالت از بالا و یا از خارج ممکن است».

با در نظر گرفتن چنین حقایقی ست که امروز جنبش دانشجویی اعلام می کند که خواسته های خود را نه از طریق متوسل شدن به درگاه مراجع قدرت داخلی و خارجی، بلکه با اصرار قاطعانه دانشجویان بر اتکا به نیرو و اراده ی آگاهانه ی خود مردم ایران به شرح زیر دنبال می کند:

۱- جنبش دانشجویی به زندگی در جامعه ای امید دارد که در آن فرد انسانها از آزادی های سیاسی-اجتماعی خود (به عنوان حق طبیعی افراد بشر) بهره مند بوده و در آن از تمامی امکانات و ثروتهای جامعه به طور برابر برخوردار باشند. تنها در چنین جامعه ای ست که امکان اعتلای استعدادهای نهان جامعه فراهم می آید. جنبش بر این باور است که دست یافتن به چنین جامعه ای جز از طریق اتحاد مستحکم آن با دیگر جنبشهای روبه جلوی جامعه به ویژه جنبش طبقه کارگر و جنبش زنان غیر ممکن است. با در نظر قرار دادن این افق متعالی ست که دیگر خواسته های دانشجویان به صورت لوازم و شروط اولیه رسیدن به چنین جامعه ای، در ادامه مطرح می شود.

۲- جنبش خواستار حذف فضای شبه نظامی دانشگاه ها - به همراه تمامی علایم و عواقب آن از قبیل احکام انضباطی سنگین و پوشش اجباری دختران دانشجو (به عنوان نمونه ای از تبعیض و تفکیک جنسی)، اخراج اساتید، طرح ستاره دار کردن دانشجویان

، ثبت نام مشروط دانشجویان تحصیلات تکمیلی ، تفکیک جنسی سرویس ها و بوفه های دانشکده ها - در تمام دانشگاه های کشور بوده و ضمناً به جد خواستار محاکمه ی عاملان قتل دانشجوی سبزواری می باشد .

۳- آزادی فعالیت تشکلهای و نشریات مستقل دانشجویی ، مصون از هر گونه تیغ سانسور - را حق گذشت ناپذیر دانشجویان دانسته و در مسیر تحقق این خواسته پیگیرانه تلاش خواهد کرد .

۴- با توجه به عملکرد ضعیف وزارت علوم ، خواستار برکناری فوری وزیر علوم و رؤسای انتصابی دانشگاه ها می باشد .

۵- با پافشاری بر حق بدیهی آزادی بیان ، خواستار لغو تمامی احکام قضایی مربوط با فعالین سیاسی کشور و آزادی زندانیان سیاسی - به ویژه دکتر زرافشان و کیل پرونده ی قتلهای زنجیره ای - می باشد .

۶- از کوچکترین مطالبات و مبارزات طبقه ی کارگر ایران قویاً دفاع کرده و خود را متحد استراتژیک جنبش کارگری ایران می داند و از آزادی تشکیل سندیکا و تشکلهای آزاد و مستقل کارگری و نیز حق اعتصاب کارگران قاطعانه حمایت می کند . خواستار لغو اصلاحیه ی قانون کار بوده و ضمناً پیگیرانه خواهان آزادی آقای منصور اسانلو - رئیس هیأت مدیره ی سندیکای اتوبوس رانی تهران - و باز گرداندن ایشان و همکاران شان به محیط کار می باشد .

۷- قویاً خواستار برابری مطلق زنان و مردان در عرصه ی حقوقی ، سیاسی اجتماعی و رفع هرگونه تبعیض جنسی بر علیه زنان می باشد .

۸- جنبش با هر گونه دخالت خارجی - اعم از اشکال نظامی یا الگوی

فرساینده ی تحریمهای سیاسی و اقتصادی - در سرنوشت مردم ایران به جد مخالف بوده و اعلام می کند که نتایج چنین اقداماتی تنها فلاکت و سیه روزی هرچه بیشتر مردم این کشور را به همراه خواهد داشت . این سیه روزی با فراهم شدن شرایط برای سربرآوردن خطرناک ترین نیروهای تبهکار جامعه با قوت هر چه تمام تر بازتولید خواهد شد .

دانشگاه امروز سنگری برای

پاسداری از حقوق و آزادی های مردم ایران است . بقای این سنگر و گسترش دامنه ی فتوحات آن تنها در پرتو اتحاد جنبشهای بر آمده از بطن همین « مردم » ممکن خواهد بود . به همین سبب جنبش دانشجویی نیروهای مترقی بالقوه و بالفعل موجود در جامعه را به اتحاد با یکدیگر برای رسیدن به خواسته ها و مطالبات همسویه اشان فرا می خواند .

در همین راستا ، در تاریخ چهارشنبه ، ۱۵ آذر از ساعت ۱۲ ظهر ،

تجمع بزرگ دانشجویان تهران در مقابل دانشکده ی فنی دانشگاه تهران برگزار می شود . همه ی دانشجویان و آزادی خواهان جامعه را به شرکت در این تجمع فرا می خوانیم .

## جمعی از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دانشگاه های ایران

گیرم که می زنید

گیرم که می برید

گیرم که می کشید

با رویش ناگزیر جوانه

چه می کنید

## محسن حکیمی

یکی از بزدانان حادان سقز  
مجدداً به دو سال حبس محکوم شد.

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران -  
دوشنبه ۰۶ آذر ۱۳۸۵ - ۲۷/۱۱/۲۰۰۶  
وکیل مدافع یکی از متهمان پرونده سقز  
از تأیید حکم دو سال حبس وی خبر  
داد.

محمد شریف، وکیل برخی از متهمان  
پرونده سقز در گفت و گو با خبرنگار  
حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران  
(ایسنا)، اظهار داشت: محسن حکیمی

پایگاه ششم دستگیر و به پایگاه آن منتقل شده بودند.

## نامه قائم مقام اتحادیه سرتاسری کارگران ونزوئلا (یوان تی)

### در رابطه با بازداشت مجدد منصور اسانلو، دبیر سندیکای رانکارگ شرکت واحد

27 نوامبر 2006

عالیجناب دکتر محمود احمدی نژاد  
 پرزیدنت جمهوری اسلامی ایران  
 کاخ ریاست جمهوری  
 خیابان فلسطین، تقاطع آذربایجان  
 تهران، ایران  
 جمهوری اسلامی ایران  
 عالیجناب:

میخواهم از طریق این نامه نگرانی خود را از دستگیری منصور اسانلو، پرزیدنت سندیکای اتوبوسرانی تهران (شرکت واحد) که در تاریخ 21 نوامبر اتفاق افتاد، بیان دارم.  
 ممکن است که این اقدام در ارتباط با اعتصاب شرکت واحد در سال گذشته باشد که با دستگیری بسیاری از فعالین اتحادیه ای و اخراج آنها توسط شرکت واحد، پایان یافت.

لذا ما از شما تقاضا میکنیم که در این امر مداخله نموده و بطور صلح آمیز و از طریق مذاکره، آن را با آزادی آقای اسانلو و بازگشت به کار کارگران اخراجی و

کند. روز گذشته همچنین این فعال کارگری که از زندان اوین به دادسرای انقلاب تهران منتقل شده بود در شعبه مزبور حاضر و تحقیقات لازم از وی به عمل آمد.

منصور اسالو روز ۲۸ آبان ماه سال جاری بازداشت و با قرار بازداشت موقت روانه زندان شد.  
 به گفته مقامات قضایی، بازداشت منصور اسالو به دلیل عدم حضور وی در دادگاه بوده است.

این فعال کارگری پیش از این نیز روز اول دی ماه سال ۸۴ و به دنبال ناآرامی های شرکت واحد و اعتراض کارگران آن به عملکرد شرکت واحد بازداشت شده بود که پس از تحمل هفت ماه بازداشت موقت، با تأمین قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد شد.

برگرفته شده از : سایت ایلنا

## داود رضوی و عبدالرضا ترازوی آزاد شدند!

داود رضوی و عبدالرضا ترازوی، از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که صبح امروز در هنگام پخش آخرین اطلاعیه سندیکا، در ترمینال خاوران بازداشت شده بودند، ساعت ۹/۳۰ امشب با گرو گذاشتن کارت شناسائی آزاد شدند و قرار است فردا برای تفهیم اتهام در دادسرا حضور پیدا کنند. این دو نفر توسط مامورین پلیس امنیت

یکی از متهمان و آخرین نفر از متهمان این پرونده بار دیگر از سوی شعبه ی یک دادگاه انقلاب اسلامی به دو سال حبس محکوم شد.

شریف اظهار داشت: محسن حکیمی پیش از این به همین اتهام به دو سال حبس محکوم شده بود که در مرحله ی تجدیدنظر از آنجا که قبل از برگزاری مراسم و ایراد سخنرانی بازداشت شده بود، تبرئه شد.

وکیل مدافع حکیمی افزود: در حالی که غیرقانونی بودن یا قانونی بودن مراسم و کسب مجوز برای برگزاری آن یا عدم کسب مجوز ارتباطی به وی به عنوان سخنران نداشته است صدور این حکم نأسف بار است. محسن حکیمی فقط در جلسه سخنرانی کرده بود اما به اتهام اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم (موضوع ماده ی ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی) بازداشت و مورد محاکمه قرار گرفت.

## همسر منصور اسالو با وی دیدار کرد

به گزارش خبرنگار "ایلنا"، همسر رییس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی روز گذشته در محل شعبه مزبور حاضر و ضمن ملاقات با همسر خود در خصوص پرونده اسالو با بازپرس پرونده گفت و گو کرد.

بازپرس شعبه ۱۴ دادسرای انقلاب تهران در حال حاضر در حال انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص این پرونده است و قرار است تا پایان هفته جاری در خصوص وضعیت اسالو، اتخاذ تصمیم

برقراری یک گفتگو بین شرکت واحد و کارگران، حل نمایید، تا اختلافات رفع شده، روابط کاری منصفانه متعادل ایجاد گشته و شرایط کاری پیشرفت نماید، امری که کارآیی کارگران شرکت را بیشتر میکند.

به نمایندگی از سوی کارگران ونزوئلا اطمینان داریم که دخالت بجا و شفقت آمیز شما، با در نظر گرفتن دوستی محکمی که کشور های ما را به هم مربوط میکند، برای کارگران ونزوئلا از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با ملاحظات فائقه، فرانسیسکو توریل با قائم مقام اتحادیه سرتاسری کارگران ونزوئلا

ترجمه و تکثیر: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

همکاران گرامی: لطفا تکثیر و توزیع شود

**بازداشت کارگران ایران خودرو  
دیزل**

**فعالان حقوق بشر در ایران**

تاریخ: ۸۵/۸/۲۹

شماره: ۱۷۰ - ۸۵

به نام آزادی

هنوز خبر اعتصاب کارکنان کارخانه ایران خودرو دیزل که چند ماه پیش اتفاق افتاده بود، از اذهان عمومی پاک نشده است و می دانیم که کارگران آن کارخانه اعتصاب شان بخاطر کسر بی مورد و غیر قانونی حقوقشان بود. ماهی ۵۰ هزار تومان از حقوق آنها کسر شده

است. و حتی شنیدیم که کارگری از شدت ناراحتی سعی داشت خود را در دستشویی کارخانه حلق آویز کند و اگر دوستان او به موقع در محل حاضر نشده بودن شاید او دیگر در این دنیا نبود. مسئولین کارخانه با دست پاچگی به همه کارگران معترض ۱۰ روز مرخصی دادن تا اعتراض آنها خاموش شود.

اما چند روز قبل مطلع شدیم که کارگران کارخانه ایران خودرو دیزل یک بار دیگر دست به اعتصاب زدند و اعتصاب آنها به خاطر مسمومیت غذایی کارگران بعد از صرف نهار در کارخانه بوده است. بسیاری از

کارگران مسموم شده و چند مورد راهی بیمارستان شدن. و مسئولین کارخانه اظهار بی اطلاعی کرده و نسبت به این اتفاق مهم کاملا بی تفاوت بودن. اما اخیرا عده زیادی از کارگران کارخانه توسط افرادی که همگی ملبس به لباس شخصی بودن احضار شده و از سرنوشت بعضی از آنها هنوز خبری در دست نیست.

هنوز معلوم نیست که به چه مجوزی کارگران را احضار کرده آنها را به نقاط نا معلومی برده و تحت بازجویی قرار میدهند. و اکثر احضار شوندهگان همان کارگران معترض و اعتصابی بوده اند.

بخش کارگری فعالان حقوق بشر نسبت به سرنوشت دستگیر شده گان ابراز نگرانی کرده و بازداشت بی مورد و غیر قانونی آنها را محکوم میکنیم. و اعلام می نمایم که اعتصاب باید حق قانونی کارگران کشور باشد. و کارگران حق دارند که نسبت به

مشکلات و معضلات کاری خود اعتصاب کنند. و از مقامات قضایی و امنیتی سوال میکنیم که چرا اعتصاب کارگران سرکوب می شود و تا کی باید با خواسته های بحق و قانونی کارگران مقابله شود. آیا نباید کارگران سوال کنند و بدانند که چرا باید از حقوق نا چیز آنها ( تازه اگر به موقع پرداخت شود ) ۵۰ هزار تومان کم شود؟ و یا این که چرا باید کیفیت غذای کارخانه آنقدر پایین باشد که کارگران را مسموم کند؟

بخش کارگری فعالان حقوق بشر مصمم است تا اخبار نقض حقوق کارگران را در اختیار عموم قرار دهد.

**کمیته کارگران / فعالان حقوق بشر  
در ایران**

Human Rights Activists in  
Iran

[sedaye.kargar@gmail.com](mailto:sedaye.kargar@gmail.com)

[www.Hra-Iran.blogfa.com/](http://www.Hra-Iran.blogfa.com/)

**اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در  
زندانیهای اردبیل، بیرجند و سمنان**

منابع خبری گزارش دادند که زندانیان سیاسی بند ۷ زندان مرکزی اردبیل از روز دوشنبه ۶ آذر ماه برای همبستگی با زندانیان سیاسی گوهردشت کرج و اعتراض به شرایط مشابه موجود در زندان اردبیل به مدت ۳ روز دست به اعتصاب غذا زدند

عباس لسانی، اصغر اکبرزاده، بهروز علی زاده و دود سعادت زندانیان سیاسی هستند که اقدام به اعتصاب غذا نموده اند

همچنین یاسر مجیدی و حیدر نوری زندانیان سیاسی در زندان های مخوف بیرجند و سمنان که نسبت به اعمال فشار وزارت اطلاعات به خود و خانواده هایشان معترض بوده و خواستار انتقال به بند زندانیان سیاسی زندان اوین هستند، از روز یکشنبه ۵ آذر ماه به مدت یک هفته دست به اعتصاب غذا زده اند

## یاران دبستانی سلام؛

## پیش به سوی آزادی!

شاهو رستگاری

روی سخن ما با شما دانشجویانی است که تازه به محیط دانشگاه وارد شده اید و با ذهنی کنجکاو، جستجوگر شناخت هر چه کاملتر و بهتر این محیط جدید هستید. حتماً می دانید که دانشگاه همواره سنگر مبارزه و دفاع از آزادی و برابری بوده است و یک عنصر تعیین کننده و دائمی در مبارزه علیه استبداد و سرکوب.

حرکت اعتراضی دانشگاه نماینگر و بلندگوی اعتراض و نارضایتی در درون جامعه است و تلاش دائمی حاکمان برای سرکوب و تحمیل فضای نظامی بر دانشگاه و تبدیل آن به محیطی خاموش و مطیع زمینه ای برای تعرض به جنبش های اجتماعی و آزادی ها و حقوق انسانی در سطح وسیع تر.

از سوی دیگر مقاومت دانشجویان آگاه و مبارز و کشمکش دائمی آنها با حاکمان برای به کرسی نشاندن مطالبات آزادی خواهانه خویش، نقش کلیدی در پیشروی جنبش های اجتماعی آزادی

خواه و به کنار زدن خفقان و بی حقوقی داشته است. از همین رو آگاهی از روند های حاکم بر دانشگاه و جامعه و مقولاتی که اخیراً از سر گذرانده اند اهمیتی بسزا در پیشبرد حرکات آتی جنبش دانشجویی دارد. یک سال پس از روی کار آمدن دولت جدید تعرض به حقوق و آزادی های اجتماعی متأثر از ضرورت های ناشی از لزوم تعیین تکلیف حاکمیت با نظام جهانی ( حال به صورت مناظره یا حال به صورت مذاکره!) ابعاد وسیع تری به خود گرفته است.

تعرض به کوی دانشگاه تهران پس از تجمعات دانشجویان در اعتراض به نظامی کردن فضای دانشگاه و دفاع از حقوق صنفی خویش، احضار دانشجویان به کمیته های انضباطی و صدور احکام سنگین برای آنان، سرکوب شدید اعتراضات دانشجویان دانشگاه امیر کبیر و بازداشت ۵۰ روزه عابد توانچه و یاشار قاجار توسط نیروهای امنیتی و متعاقب آن اخراج عابد توانچه و عدم قبولی یاشار قاجار در کارشناسی ارشد علی رغم کسب رتبه بالا، برخورد شدید با تجمع آرام زنان در میدان هفت تیر در تاریخ ۲۲ خرداد و دستگیری وسیع شرکت کنندگان در تجمع، مرگ طبیعی! دو تن از فعالین سیاسی (فیض مهدوی و اکبر محمدی) در زندان های اوین و رجائی شهر، صدور حکم اعدام برای تعدادی از متهمین حوادث اهواز و تلاش برای به اجرا گذاشتن حکم اعدام کبری رحمانپور، تعرض به حقوق و معیشت طبقه کارگر از طریق

خصوصی سازی، بیکار سازی ها و اصلاح قانون کار به نفع طبقه کارگر و بسیاری از موارد دیگر که از مصادیق بارز امری است که در بالا به آن اشاره شده. اما باید گفت این تمامی تصویر نیست. جنبش دانشجویی اعتراضات وسیع خرداد ماه را در کارنامه خود ثبت نمود، جنبش زنان به حیات خود ادامه داد و فعالین سیاسی برجسته ای چون دکتر ناصر زرافشان به مقاومت خود در زندان ها ادامه دادند.

به عبارت دیگر در جبهه مقابل مبارزه اجتماعی همچنان ادامه دارد و در این میان نیز جنبش دانشجویی به عنوان یک وزنه مهم در تحولات آتی با درک ضرورت های لازم در جهت پیش برد مبارزه در جهت کنار زدن تعبیر های لیبرالی و دوخردادی از حرکت خود گام بر می دارد و در همین راستاست که می خواهد خود را از بازیچه ای در دست جناح های حاکم خلاص نماید. جنبش دانشجویی در گام بعدی خود احتیاج مبرمی دارد که با اتخاذ یک موضع رادیکال در کنار جنبش کارگران و زنان و دیگر جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلبانه دیگر قرار گیرد تا بتواند در راه رهائی از ستم و استثمار قرار گیرد که این امر بیش از هر چیز نیازمند این امر است که ما یاران دبستانی دستان خود را محکم تر از پیش در دست هم قرار دهیم و در این مسیر با امید به دنیایی انسانی تر گام برداریم.

نوشته شده توسط خاک در

۹/۷/۱۳۸۵